

که تا قبل از این به تعبیر بعضی‌ها سربار خانواده‌هایشان بودند با یاد گرفتن این مهارت‌ها به نان آور خانواده تبدیل شدند و شیرینی‌های این‌ها را تا آلمان صادر کرده‌ایم.

به گفته علیزاده این اولین هنرستان خوداشتغالی برای دانش‌آموزان معلول ذهنی است و این قدر نتایج خوبی داشته که پس از آن در سراسر کشور الگو قرار گرفته است.

علیزاده خودش را یک فرد ثروتمند می‌داند و صحبت‌هایش را این‌گونه ادامه می‌دهد: شاید اگر من سهم ارث یا درآمد کم‌رانه عنوان مثال صرف احداث یک کارگاه تولیدی می‌کردم اکنون درآمد مالی بیشتری می‌داشتم اما به اقتضای نوع فعالیت‌م که با هر دو قشر خیلی پولدار و خیلی فقیر، از نزدیک در ارتباط هستم با چشم دیده‌ام که ثروت آرامش نمی‌آورد و خودم آگاهانه این سبک زندگی معمولی را انتخاب کرده‌ام.

او جمله‌ای را با تکیه بیشتر بر بیان می‌کند: پیش‌نهاد مشاغل و جایگاه‌های بالاتر اداری و سیاسی را هم داشتم اما هیچ‌کدام را قبول نکردم و گفتم با این مردم بیشتر خوش هستم. من از همین مردم چیزهایی یاد گرفتم که ارزشش را از هر دارایی بیشتری می‌دانم و این را کسی می‌فهمد که لذت این سبک زندگی را چشیده باشد.

علیزاده اکنون چند ماهی است که مدیر عاملی بیمارستان خیریه موسی ابن جعفر^(ع) را که می‌توان آن را یکی از بزرگ‌ترین بیمارستان‌های خیریه‌ای کشور دانست، برعهده گرفته است. او در اینجا هم قصد دارد رفاه و آرامش بیشتر را برای بیماران فراهم کند.



محمدحسین علیزاده در کنار عثمان محمدپرست در همایش مدرسه‌سازان در آذرین ۱۳۸۶

مهیاکننده آرامش کار

سراغ چند نفر از خیرانی رفتیم که با علیزاده در ارتباط هستند. دکتر سید عبدالرضا حسینی نسب از جراحان چشم پزشکی بازنشسته است. او پس از فوت پدرش تصمیم می‌گیرد مدرسه‌ای برای یادبوش بسازد. سرانجام با علیزاده آشنا می‌شود و قرار می‌شود مدرسه‌ای در یکی از روستاهای بیرجند ساخته شود. حسینی نسب می‌گوید: روزی که برای بازدید و بستن قرارداد رفتیم، تصمیم داشتم مبلغ محدودی هزینه کنم اما این قدر قدر شناسانه و با احترام و محبت برخورد کردند که نظرم عوض شد و گفتم هر قدر هزینه‌اش بشود پرداخت می‌کنم. او بعد از این تجربه شیرین، دیگر اقوام و بستگان را هم به مشارکت در مدرسه‌سازی ترغیب می‌کند و تاکنون ۱۸ مدرسه با مشارکت او و اطرافیانش ساخته شده است. این خیر مدرسه‌ساز در توصیف علیزاده می‌گوید: ایشان از آن افراد تأثیرگذاری است که تا وقتی هست آن قدر کارها به روال عادی پیش می‌رود که کسی قدرش را نمی‌داند و فکر می‌کنند وظیفه‌اش را انجام داده اما بعد از ۱۲۰ سال که نباشد تازه می‌بینند فرد دیگری نمی‌تواند مانند او کارها را پیش ببرد.

دکتر فاطمه هادوی که عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی و از دیگران خیران مدرسه‌ساز است، درباره علیزاده چنین می‌گوید: ایشان فردی آرام اما بسیار تأثیرگذار است و از سه مدرسه‌ای که من در ساختنش مشارکت داشتم، دو مدرسه‌ای که با پیگیری‌های علیزاده ساخته شد آن قدر کارهایش سریع و با نظم پیش می‌رفت که من فقط تماشا می‌کردم و لذت می‌بردم اما برای ساخت مدرسه سوم که ایشان نبود بسیار اذیت شدم.

او برای علیزاده آرزوی سلامتی می‌کند و ادامه می‌دهد: صرف وجود و حضور چنین شخصیت‌هایی سرمایه بزرگی است و امیدوارم آن‌طور که در شأن ایشان و مصلحت جامعه است از توانایی‌هایشان استفاده شود.

ساخته شده است و با ذکر خاطراتی به توضیح این گفته‌اش می‌پردازد: در روستایی دور افتاده پیرزنی زیر پوشش کمیته امداد بود که پسرش در اثر تصادف فوت کرده و می‌خواست دیه او را صرف مدرسه‌سازی کند. وقتی دیدم خودش وضع مالی خوبی ندارد دست‌نگه داشتم و پول را از او نگرفتم. قرار می‌گذاشتم تا بتوانم از نزدیک حال و روزش را ببینم. وقتی رفتم دیدم کل خانه‌اش یک فضای شش‌هفت متری کاهگلی بود که حتی به جای در، جلوی خانه کیسه‌گونی زده بود. نه بیخچال داشت و نه گاز و... مات و مبهوت مانده بودم که چرا این فرد پول دیه را صرف زندگی خودش نمی‌کند. هر چه با او صحبت کردم که حداقل بخشی از دیه را به زخم‌های زندگی‌اش بزند قبول نمی‌کرد و می‌گفت مال دنیا را می‌خواهم چه کار کنم؟ شما بروید با این پول مدرسه بسازید تا بچه‌ها در آن درس بخوانند. حتی اجازه نداد که خودمان دستی به سر و روی خانه‌اش بکشیم. بین صحبت‌هایش گفت فقط یک آرزو دارد و آن اینکه به زیارت مکه مشرف شود. با کمک خیران سفر مکه را برایش فراهم کردیم و از زندگی‌اش فیلمی کوتاه ساختیم و در همایش‌ها برای خیران پخش می‌کردیم. نمی‌دانید با این فیلم چه اشک‌ها که ریخته شد و تحت تأثیر آن چه مدرسه‌ها که ساختند. خیران وقتی چنین افرادی را می‌دید نمی‌گفتند ما با این همه دارایی کاری نکرده‌ایم. همه حسرت دل بزرگ و روح آسمانی این پیرزن را می‌خوردند. هم نشینی من با چنین افرادی، فراتر از ساختن مدرسه، روح خود را ساخت و آرامشی که امروز دارم مدیون این افراد هستم. به گفته‌او این پیرزن با دیه پسرش در ساخت مدرسه‌ای مشارکت کرد و آن مدرسه به اسم فرزندش نام‌گذاری شده است. چند سال بعد که خود پیرزن فوت می‌کند علیزاده برای اینکه نام این فرد خیر و الگو، ماندگار بماند با هزینه شخصی، مدرسه‌ای به نام پیرزن در نزدیکی روستایش می‌سازد.

با مردم بودن از هر ثروتی باارزش‌تر است

علیزاده و همسرش ۲ مدرسه هم از محل ارثیه به نام پدرانشان ساخته‌اند. علاوه بر این او به مدرسه دیگری که در مشهد برای دانش‌آموزان استثنایی ساخته‌اند اشاره می‌کند و می‌گوید: تا سال ۸۵ دانش‌آموزان ناتوان ذهنی فقط تا مقطع راهنمایی تحصیل می‌کردند. این موضوع خیلی ذهنم را مشغول کرده بود که چطور می‌توانیم کمکی به آن‌ها بکنیم. سرانجام تصمیم گرفتیم یک هنرستان در محدوده سیدی به نام دکتر فاطمه هادوی برایشان بسازیم که می‌توان آن را به نوعی کارگاه خوداشتغالی دانست. در این مدرسه هنرهایی همچون آشپزی، شیرینی‌پزی، ساخت صنایع دستی و... آموزش داده می‌شود و بچه‌هایی



حضور علی دایی در افتتاح مدرسه خیرساز در تربت جام ۱۳۹۴

علی دایی به مراسم افتتاح مدرسه آمد

علیزاده در خاطراتش به خیری به نام نازی صفاری از کشور آمریکا اشاره می‌کند و می‌گوید: این فرد می‌خواست مدرسه‌ای بسازد اما نگران بود که پول را واریز کند و مدرسه ساخته نشود. ساخت مدرسه را شروع کردیم و دیوارهایش را بالا بردیم و کاشی سردرش را به نام خیر نصب کردیم. بعد تصاویر را برایش فرستادم. وقتی دید بدون پرداخت هیچ مبلغی مدرسه‌ای به نامش ثبت کرده‌ایم اعتمادش جلب شد و چون با علی دایی آشنا بود پول را به حساب او ریخت تا بدین طریق به دست ما برسد. وقتی برای افتتاحیه دعوتش کردیم گفت می‌تواند از علی دایی هم بخواهد بیاید. من گفتم قبول نمی‌کند اما او دعوت را قبول کرد. بدین ترتیب در یک روستای مرزی که چند بار سابقه حمله اشراک داشت باید امنیت فرد خیر میلیاردری و علی دایی و همسرش را تأمین می‌کردیم. در این مراسم یکی از دانش‌آموزان دکلمه بسیار تأثیرگذاری خواند و علی دایی و همسرش مثل باران بهار گریه می‌کردند. بعد هم با انگیزه زیادی تصمیم گرفتند کنار کارهای خیر پنهانی‌ای که انجام می‌دهند، در اردبیل مدرسه بسازند.

● به کار گرفتن هنر در مدرسه‌سازی

بعد از این، علیزاده به اداره کل آموزش و پرورش خراسان دعوت می‌شود تا به واسطه هنری که دارد، پوسترها و نقاشی‌هایی برای جذب خیران مدرسه‌ساز طراحی کند. به گفته خودش معمولاً آن زمان فرهنگیان با سابقه می‌توانستند وارد اداره کل آموزش و پرورش شوند اما او به دلیل مهارت‌های هنری‌اش فقط با ۳ سال سابقه وارد این اداره می‌شود. زین پس هنرش تحت تأثیر درد‌های بی‌سواد، فقر و محرومیت که از نزدیک آن‌ها را دیده و لمس کرده بود، قرار می‌گیرد و خروجی آن، عکس‌ها و طراحی‌های تأثیرگذاری می‌شود که تأثیر زیادی در جذب خیران مدرسه‌ساز ایجاد می‌کند. او خودش هم به عنوان معاون مشارکت‌های مردمی اداره کل نوسازی مدارس استان و مدیر عامل مجمع خیران مدرسه‌ساز جزو اولین افرادی بوده که با خیران ارتباط می‌گیرد و با اعتمادسازی، آن‌ها را به این عرصه دعوت می‌کند.

علیزاده که از سال ۱۳۸۱ به اداره کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان منتقل شده است، خاطرات زیادی از این دوران دارد. از خیرانی می‌گوید که ابتدا اعتماد داشتند پولی که می‌دهند فقط صرف مدرسه‌سازی شود اما او به شیوه‌های مختلف این اعتماد را جلب می‌کند و در آخر بعضی از آن‌ها به جای یک مدرسه چندین مدرسه می‌سازند. حتی خیران خارج از کشور با او ارتباط می‌گیرند و به کمک آن‌ها مدرسه‌های متعددی ساخته می‌شود. نتیجه این تلاش‌ها و ارباب‌زنی‌ها این است که در طول ۳۰ سال حضورش در دو اداره کل آموزش و پرورش و اداره نوسازی مدارس استان، در جذب بیش از ۴ هزار خیر و ساخت بیش از ۵ هزار مدرسه نقش داشته است. به گفته خودش در این مدت خراسان‌های رضوی، جنوبی و شمالی را مثل کف دست یاد گرفته و چون اولویت، ساخت مدرسه در مناطق محروم است، بیشتر روستاهای این سه استان را رفته است.

● ساخت خانه برای سیل‌زدگان و بیمارستان

فروردین سال ۹۷ که از اداره نوسازی مدارس استان بازنشسته می‌شود، به عنوان رئیس هیئت مدیره مجمع عالی خیران کشور انتخاب می‌شود و همچنان این مسئولیت را برعهده دارد. ارتباط تنگ‌انگ او با خیران به مدرسه‌سازی ختم نمی‌شود و برحسب تمایل آن‌ها و اقتضای شرایط، وارد مسائلی همچون ساخت منزل برای سیل‌زدگان کلات، بردسکن، سیستان و بلوچستان و سبزوار می‌شوند.

اومی‌گوید: مردم و مسئولان تربت حیدر به تقاضای ساخت بیمارستانی برای بیماران سرطانی را داشتند که با کمک خیران بیشتر کارهای آن را انجام داده‌ایم و رو به اتمام است. در شهرستان زاوه تربت حیدر به هم بیمارستان نیمه‌تمامی داریم که کارهای آن نیز به لطف خیران در حال انجام است. بیمارستان دیگری هم در شهرستان نیشابور در دست‌احداث داریم. پس از سیل سیستان و بلوچستان، گروهی متشکل از پزشکان با تخصص‌های گوناگون راه‌همراه با دارا و ازم کردیم که به روستاهای رفتند و ضمن ویزیت رایگان، همانجا دارو هم به‌طور رایگان داده می‌شد. حمایت مالی از دانش‌آموزان دارای رتبه زیر هزار در تربت حیدر به وساخت ۸ سالن ورزشی از دیگر کارهایی بود که انجام دادیم. در ایام کرونا نیز حمایت‌های مختلفی از کادر درمان و اقشار آسیب‌پذیر جامعه داشتیم و بسته‌های حمایتی متعددی تهیه و توزیع شد.

● پیرزن فقیری که بخشنده بود

علیزاده نفس عمیقی می‌کشد و سبک‌بال و با آرامش می‌گوید: خوشحالم که عمرم را هدر ندادم و طوری زندگی کردم که وقتی به گذشته برمی‌گردم به جای حسرت از مرور خاطرات لذت می‌برم. او معتقد است هنگام این رفت‌وآمد هاوسا ساخت و سازها روحیه خودش هم

توفیق کار خیر را هم خدا داده

علیزاده در قبال کارهای خیری که انجام داده است، به دنبال گرفتن پاداش مادی از خداوند نیست. او می‌گوید: اگر من پولی برای خرج کردن دارم نتیجه عقل و شریاطی است که خدا در اختیارم گذاشته است و اگر دل بزرگی دارم که حاضرم پولم را در راه خیر صرف کنم باز هم از لطف خداست. پس چرا باید توقع پاداش داشته باشم؟ او یادی از یکی از خیران می‌کند و می‌گوید: این فرد با وجود اینکه در ساخت مدرسه مشارکت کرده بود حاضر نبود از مالیات معاف شود و می‌گفت من با امکانات همین دولت درس خوانده‌ام، کسی شده‌ام و به جایی رسیده‌ام حالا هم باید مالیات دارایی‌ام را پرداخت کنم.